

یشتها، ۱۹: ۳۸-۳۱؛ وندیداد، ۲: ۱؛ بندهش، ۱۴۹؛ گزیده‌ها...
۶۸؛ روز، ۵۷؛ فضایی، ۳۰؛ کریستن سن، ۲۹۷؛ بید؛ یورداد،
۱۸۸-۱۸۰/۱.

با این همه، در هیچ یک از منابع بازمانده از ایران باستان
سخنی از جام جم به میان نیامده است. در متون دیگر و
تاریخ‌نگاریهای اسلامی نیز با وجود اختلافهایی در نسب، دوره
شهریاری و احوال جم، مطلبی تازه و افزون بر منابع کهن به
چشم نمی‌خورد (نک: کنتز/ریا، ۴۲۹-۴۳۰؛ دینوری، ۴-۱؛ طبری،
۱۷۴/۱-۱۷۸؛ ثعالبی، ۱۰-۱۶؛ حمزه، ۱۲؛ مقدسی، ۱۴۰/۳-۱۴۱؛
مجمل... ۲۴-۲۶؛ مسعودی، ۲۳۵/۱-۲۳۶).

پس از ظهور اسلام و فترت ۳ سده‌ای در زبان و ادبیات
فارسی، جم تنها به عنوان پادشاهی مقتدر ظهور یافت (نک: رودکی،
۶۰۴)؛ اما در اواخر سده ۴ق/۱۰ نخستین بار منجیک ترمذی در
اشعار خود از «ساغر جمشید» یاد کرد که ظرفی برای شراب و
منسوب به جم است: من نه خاقانم کز کاسه فغفور خورم/ من کجلا
حوصله ساغر جمشید کجا؟! (نک: ص ۲۱۹) و پس از او، دیگر
شاعران نیز اشعار فراوانی با همین مضمون سرودند (نک: اسدی،
۳۲۲؛ قطران، ۲۸۱؛ معزی، ۴۹۱؛ خاقانی، ۲۲۹؛ اوحدی، ۲۴۱،
۳۷۹، ۵۰۴؛ حافظ، ۵۵، ۹۶، ۱۲۱؛ وحشی، ۲۴۸؛ صائب، ۲۳۹/۵).

اما از میان شاعران یادشده، معزی نخستین شاعر مدیحه‌سرا بود
که جام جم را با معنایی تازه، یعنی تسخیر آفاق، به کار برد:
آفاق مسخر است حکمت را / گویی که به دست توست جام جم
(همانجا)؛ و سنایی نخستین شاعر صوفی مشرب بود که افزون بر
ویژگی جهان‌نمایی جام، معنای مجازی دل‌عارف را به آن
بخشید، که عارف از طریق آن به اسرار راه می‌یابد، حقایق
هستی را در آن می‌بیند و از آنچه ورای جهان مادی است، آگاه
می‌شود: به یقین دان که جام جم دل تو ست / مستقر نشاط و غم
دل تو ست // گر تما کتی جهان دیدن / جمله اشیا در او توان
دیدن / ... (ص ۱۰۸-۱۰۹). پس از سنایی، دیگر شاعران و
نویسندگان صوفیه نیز معانی مجازی و ثانوی دیگری - چون
خودفانی‌شده، عقل، دل، نفس دانا، انسان کامل، قلب انسان کامل
و ... - را بدان افزودند (عطار، ۲۲۰، ۲۵۸، ۲۶۸؛ روزبهان، عبهر...
۴۹، شرح... ۱۸۴، ۲۷۱؛ نسفی، ۴-۵؛ حافظ، ۹۶؛ شبستری، ۱۲۱).
در سیر این تطور معنایی، همچنین از خطوط هفت‌گانه جام
(جور، بغداد، بصره، ازرق، اشک یاورشکر، کاسه گر، فرودینه)
سخن به میان می‌آید که یادآور باورهای نجومی کهن سومری -
بابلی، درباره طبقات آسمان و هفت‌گانه بودن سیارات است؛
جالب آنکه این خطوط، افزون بر آنکه دستمایه‌هایی برای
مضمون‌پردازی شاعران بود، ظاهراً هر یک نشان‌دهنده ظرفیت
می‌نوشی نوشتندگان نیز به شمار می‌رفت (خاقانی، ۲۶۰، ۴۷۴؛
صائب، ۱۷۸۲/۴؛ معین، تحلیل... ۳، ۱۲۷-۱۲۸).

جام جم، جام منسوب به جم یا جمشید، شخصیت اسطوره‌ای
هندوایرانی که هم ظرفی برای شراب، و هم ابزار برای
پیشگویی و بازنمایی رویدادهای جهان بوده است.

بشر از دیرباز در پی دیدن و دانستن رویدادهای دور از
دسترس این جهان و ماوراء آن بوده است. جام، آینه، تشت پر
آب، مکاشفه، پیشگویی و خواب ابزارها و شیوه‌های مختلفی
است که انسان را در کشف حوادث یاری رسانده است (انجیل
مرقس، ۱۴: ۱۲-۲۵؛ انجیل لوقا، ۲۲: ۱۴-۲۰؛ نظامی، شرف‌نامه،
۱۶۳؛ اسدی، ۱۴۸-۱۴۹؛ نک: «زند...»، ۲۹-۷۲؛ «یادگار...»، ۱۱۵-
۱۲۵؛ مقدسی، ۱۴۷/۳-۱۴۲).

در این میان، جام (اوستایی: yāma، فارسی میانه: jām یا
yām؛ نک: هرن، 92). افزون بر زینت‌بخشی مجالس بزم بزرگان،
در مراسم آیینی نیز به کار می‌رفت (راوندی، ۴۲۳؛ نوروزنامه،
۱۸-۱۹). در تاریخ و ادبیات ایران زمین نیز از چندین جام ویژه
یاد شده که یکی از مشهورترین آنان جام جم است.

یمه (جم) از شخصیت‌های اسطوره‌ای هندوایرانی است که در
اسطوره وادی، او و خواهر همزادش، یعنی، به عنوان نخستین
زوج بشر و پدر و مادر همه آدمیان به شمار آمده‌اند (گریزولد،
327-322). گرچه این شخصیت در گذر زمان و به تناسب
شرایط آن سرزمین دستخوش تغییراتی شده است (کریستن سن،
۲۸۶-۲۹۶)، بنابر روایت شاهنامه، جم، فرزند طهمورث و
چهارمین شهریار اسطوره‌ای از سلسله پیشدادیان محسوب شده
است (فردوسی، ۴۷۱؛ قس: حمزه، ۱۲).

جم (اوستایی: Yima، فارسی میانه: jām؛ نک: پارتولمه،
1300-1301؛ بوستی، 144). گناهکاری است که برای خشنودی
آدمیان، خوردن گوشت را به آنها آموخت (یسناسنا، ۳۲: ۸) و در
اوستای متأخر و دیگر متون فارسی میانه، جم پسر ویوئگه‌نه
است که به پاداش افشردن هوم به او عطا شد. بنا بر این متون،
اهوره مزدا، پیش از زردشت، دین اهورایی را به وی عرضه
داشت و از او خواست که این دین را بیاموزد و آن را منتشر
کند، اما جم از پذیرش و نگاهبانی این دین ابراز ناتوانی کرد.
آن‌گاه اهوره مزدا وظیفه شهریاری و بالاندن زمین را برعهده او
گذاشت. دوره طولانی فرمانروایی او با بی‌مرگی، شادکامی،
فراوانی آب و خوراک و افزونی آفریدگان اهوره مزدا همراه بود
و از دورانهای طلایی تاریخ بشر به شمار می‌آمد. بنا بر این
روایت، جم در طول شهریاری خود ۳ بار زمین اهوره مزدا را
گسترش داد، و به فرمان او ور جمکرد را ساخت و بهترین
گونه‌های گیاهان، جانوران و آدمیان را در آن جای داد، تا در
زمستان بسیار سختی که در آخر الزمان فرا می‌رسد، نسل آنان
را از نابودی حتمی حفظ کند؛ اما سرانجام به سبب غرور و
دروغ ۳ بار قره از او گریخت و سرانجام، با ازه دو نیمه گشت

10 Eylül 2017